

عدالت و کارایی

در تطبیق با نظام اقتصاد اسلامی

دکتر حسین عیوضلو



انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)

عبوضلو، حسین، ۱۳۳۹-

عدالت و کارایی در تطبیق با نظام اقتصاد اسلامی / حسین عبوضلو. --

تهران : دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۴،

۲۳۶ ص. : مصور، نمودار. -- (انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)؛ ۳۵)

۲۰۰۰ ریال : ISBN 964-7746-24-5

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

عنوان به انگلیسی:

Justice and efficiency in compare with economic system of Islam.

کتابنامه.

۱. اسلام و اقتصاد. ۲. عدالت (اسلام). الف. دانشگاه امام صادق (ع). ب. عنوان.

۳۹۷/۴۸۳۳

BP ۲۳۰ / ۲ / ع ۹۷

۸۴-۴۲۳۱۴م

کتابخانه ملی ایران

عدالت و کارایی

در تطبیق با نظام اقتصاد اسلامی

دکتر حسین عبوضلو

انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)

چاپ اول - ۱۳۸۴

۱۰۰۰ نسخه

۳۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۶۴-۷۷۴۶-۲۴-۵

چاپ: چاپ و نشر کارور

همه حقوق محفوظ و متعلق به ناشر است.

تهران - بزرگراه شهید چمران - پل مدیریت - صندوق پستی ۱۵۹ - ۱۴۶۵۵

تلفن ۸۸۳۷۰۱۴۲ دورنگار: ۸۸۰۹۴۹۱۵

فهرست اجمالی

فهرست مطالب	صفحه
فهرست اجمالی	۵
فهرست تفصیلی	۷
مقدمه	۱۷
بخش اول: بررسی مفاهیم و دیدگاهها	۳۱
فصل اول: تعاریف و ویژگیهای عدالت	۳۱
فصل دوم: نظریه عدالت اقتصادی در چارچوب شریعت اسلام	۷۷
فصل سوم: تعاریف کارایی، الزامات و پیامدهای آن	۱۱۷
فصل چهارم: رابطه عدالت و کارایی در اقتصاد متعارف و اقتصاد اسلامی	۱۴۷
بخش دوم: بررسی تطبیقی	۱۹۳
فصل پنجم: بررسی تطبیقی سازگاری معیارهای عدالت اقتصادی با نظام اقتصاد اسلامی	۱۹۳
فصل ششم: بررسی تطبیقی معیار کارایی با نظام اقتصاد اسلامی	۲۳۵
فصل هفتم: شرایط سازگاری و الگوهای رفتاری	۲۶۵
ضمائم	۳۱۱
کتابنامه	۳۲۱

فهرست تفصیلی

فهرست مطالب	صفحه
فهرست اجمالی	۵
فهرست اجمالی	۷
مقدمه	۱۷
فرضیه اصلی	۲۴
فرضیه‌های همراه	۲۵
بخش اول: بررسی مفاهیم و دیدگاهها	۳۱
فصل اول: تعاریف و ویژگیهای عدالت	۳۱
۱-۱. عدالت از دیدگاه متفکران غیراسلامی	۳۳
۱-۱-۱. سنت کلاسیک یونانی	۳۴
۱-۱-۲. قرون وسطی	۳۷
۱-۱-۳. دوران رنسانس و بعد از آن	۳۸
۱-۳-۱. جریان فردگرایی	۳۹
۱-۳-۲. ایده‌های اجتماعی نگر و جهان‌شمول	۴۳
۱-۴. دیدگاههای سوسیالیستی و آنارشستی	۴۴
۱-۴-۱. مارکس	۴۵
۱-۴-۲. پرودن	۴۵
۱-۵. لیبرالیسم جدید و نظریه‌های عدالت	۴۶
۱-۵-۱. فریدریک هایک	۴۶
۱-۵-۲. جان رالز	۴۷
۱-۵-۳. رابرت نوزیک	۴۹
۱-۵-۴. رانسیمن	۵۱

- ۵۲ ۵-۵-۱-۱. دایاناس
- ۵۳ ۶-۵-۱-۱. سرژ کرسلف کلم
- ۵۴ ۲-۱. عدالت از دیدگاه متفکران اسلامی
- ۵۴ ۱-۲-۱. نظریه پردازان متقدم
- ۵۴ ۱-۲-۱. ابونصر محمد فارابی
- ۵۵ یک. عدالت: ویژگی ماهوی نظام حاکم بر کائنات
- ۵۵ دو. عدالت: ایفای اهلیت
- ۵۵ سه. عدالت: فضیلتی در اخلاق فرد
- ۵۵ چهار. عدالت: تقسیم مساوی خیرات در مدینه
- ۵۵ پنج. عدالت: هدف قوانین مدینه
- ۵۶ ۲-۱-۲. ابن مسکویه
- ۵۶ ۳-۱-۲. خواجه نصیرالدین طوسی
- ۵۷ ۴-۱-۲. ابن رشد
- ۵۸ ۵-۱-۲. ابن تیمیه
- ۵۹ ۶-۱-۲. ابن خلدون
- ۶۰ ۲-۲-۱. نظریه پردازان عدالت در عصر جدید
- ۶۰ ۱-۲-۲. سید قطب
- ۶۱ ۲-۲-۲. شهید مرتضی مطهری
- ۶۲ ۳-۱. «عدالت» در تکرش اسلام
- ۶۳ ۴-۱. جمع بندی و نتیجه گیری
- ۶۴ ۱-۴-۱. معنا و مفهوم عدالت
- ۶۵ ۱-۴-۱. برابری، مساوات، انصاف و بیطرفی
- ۶۵ ۲-۴-۱. توازن، تعادل، اعتدال، تناسب، حد وسط و مطابقت با نظم
- ۶۶ ۲-۴-۱. ویژگی فرادینی عدالت
- ۶۸ ۳-۴-۱. مفهوم «عدالت» در حوزه مسائل اقتصادی و معیشتی

- ۱-۴-۳. مفهوم کلی عدالت در حوزه مسائل اقتصادی ۶۸
- ۱-۴-۲. عدالت؛ زیربنای فلسفه‌ها و نظامهای اجتماعی ۶۹
- پی‌نوشتها ۷۱
- فصل دوم: نظریه عدالت اقتصادی در چارچوب شریعت اسلام ۷۷
- ۱-۲. چند بحث پایه‌ای و مقدماتی ۸۰
- ۱-۱-۲. مفهوم عدالت اجتماعی ۸۰
- ۲-۱-۲. مفهوم اقتصاد از دیدگاه اسلامی ۸۱
- ۱-۲-۳. نقش و جایگاه اموال و ثروتهای از دیدگاه اسلامی ۸۲
- ۱-۳-۱-۲. اموال: متعلق به خدا ۸۳
- ۲-۳-۱-۲. اموال: ودیعه و امانت الهی ۸۳
- ۳-۳-۱-۲. اموال: مایه قوام و استواری جوامع ۸۳
- ۲-۲. مسئله عدالت اقتصادی ۸۴
- ۳-۲. قواعد و معیارهای عدالت اقتصادی ۸۶
- یک. قواعد ایزارمحور ۸۶
- دو. قواعد فرابندمحور ۸۶
- سه. قواعد نتیجه‌محور و غایتگرا ۸۶
- ۱-۳-۲. قاعده اول: حق برخورداری برابر از منابع و ثروتهای عمومی و مشترک ۸۷
- ۱-۳-۲. (دیدگاه طرفداران سهم‌بری یکسان) از منابع طبیعی ۸۸
- ۲-۳-۱-۲. از منابع طبیعی اولیه ۸۸
- ۳-۳-۱-۲. از منابع تولید ۸۸
- ۴-۳-۱-۲. از منابع غیرانسانی ۸۸
- ۵-۳-۱-۲. برابری فرصتها ۸۹
- ۶-۳-۱-۲. کالاهای اولیه ۸۹
- دیدگاه متفکران اسلامی ۹۰
- ۲-۳-۲. قاعده دوم: عدل طبیعی ۹۱

- ۹۲ عدل طبیعی از دیدگاه اسلامی
- ۹۶ ۳-۳-۲. قاعده سوم: توازن در برخورداری
- ۹۷ ۲-۳-۳-۱. عدالت به معنای حداکثر مطلوبیت برای جامعه
- ۹۸ ۲-۳-۳-۲. عدالت به معنای حداکثرسازی ثروت
- ۹۹ ۲-۳-۳-۳. عدالت به معنای انصاف
- ۱۰۰ ۲-۳-۳-۴. عدالت به معنای تخصیص خالی از سرزنش
- ۱۰۰ ۲-۳-۳-۵. عدالت به معنای وضعیت «قوام اقتصادی»
- ۱۰۱ یک. وضعیت قوام در بهره‌برداری از اموال و منابع عمومی
- ۱۰۴ دو. وضعیت قوام در حوزه مصرف
- ۱۰۸ ۲-۴. موضع قوام در اقتصاد اسلامی
- ۱۱۰ ۲-۵. جمع‌بندی قواعد عدالت اقتصادی
- ۱۱۱ پی‌نوشتها
- ۱۱۷ فصل سوم: تعاریف کارایی، الزامات و پیامدهای آن
- ۱۱۹ ۳-۱. تعریف کارایی و بهینه پارتویی (نگرشی سنتی)
- ۱۲۱ ۳-۱-۱. قضاوت‌های ارزشی پارتویی
- ۱۲۲ بیان ریاضی
- ۱۲۴ ۳-۱-۲. تعریف کارایی و شرایط آن
- ۱۲۴ ۳-۱-۲-۱. فروض کلاسیک
- ۱۲۵ ۳-۱-۲-۲. روابط
- ۱۲۵ ۳-۱-۳. تعریف بهینه پارتویی یا کارایی
- ۱۲۵ ۳-۱-۴. شرایط کارایی
- ۱۲۵ ۳-۱-۴-۱. مصرف کارآ یا کارایی در مبادله
- ۱۲۷ ۳-۱-۴-۲. تولید کارآ یا کارایی فنی
- ۱۳۰ ۳-۱-۴-۳. کارایی در تولید و مصرف یا کارایی کلی
- ۱۳۱ بیان ریاضی

- ۱-۴-۴. عدالت اجتماعی و بهینه اجتماعی ۱۳۲
- بیان ریاضی ۱۳۴
- ۲-۳. کارایی تخصیصی (نگرش مدرن) ۱۳۵
- ۱-۲-۳. کارایی فنی ۱۳۶
- ۲-۲-۳. کارایی تخصیصی ۱۳۷
- ۳-۲-۳. اندازه‌گیری کارایی فنی و تخصیصی بر مبنای حداکثرسازی محصول ۱۳۸
- ۴-۲-۳. آثار اقتصادی کارایی تخصیصی ۱۴۰
- ۳-۳. کارایی درونی ۱۴۱
- ۴-۳. ارزیابی معیارهای کارایی از دیدگاه اسلامی ۱۴۲
- پی‌نوشتها ۱۴۴
- فصل چهارم: رابطه عدالت و کارایی در اقتصاد متعارف و اقتصاد اسلامی ۱۴۷
- ۱-۴. ناسازگاری معیارهای «عدالت» و «کارایی» ۱۴۹
- ۲-۴. چارچوب نهادی نظریه‌های اقتصاد رفاه ۱۵۰
- ۳-۴. بررسی جامعیت معیار کارایی ۱۵۲
- ۱-۳-۴. موارد ناتوانی بازار ۱۵۳
- ۱-۳-۴. بازدهی فزاینده نسبت به مقیاس وجود ۱۵۳
- ۲-۳-۴. کالاهای عمومی ۱۵۴
- ۳-۳-۴. اثرات خارجی ۱۵۵
- ۴-۳-۴. توزیع نامطلوب درآمد ۱۵۶
- ۲-۳-۴. امکان‌پذیری کارایی پارتویی ۱۵۷
- ۳-۳-۴. قضیه بهینه دوم ۱۵۸
- ۴-۳-۴. نتیجه بررسی و تحلیل ۱۵۹
- ۴-۴. دیدگاههای انتقادی ۱۶۰
- ۱-۴-۴. مطلوبیت‌گرایی مبتنی بر قاعده ۱۶۰
- ۱-۴-۴. تأثیر قواعد اخلاقی و انگیزه‌های افراد در ایجاد کارایی ۱۶۱

- ۴-۴-۲. تأثیر توزیع مجدد در بهبود کارایی درونی ۱۶۲
- ۴-۴-۳. بیان نموداری ۱۶۵
- ۴-۴-۳-۱. کارایی درونی ۱۶۵
- ۴-۴-۳-۲. تأثیر توزیع مجدد در آمد ۱۶۶
- ۴-۴-۴. بهینه پیگویی ۱۶۷
- نتیجه مهم ۱۷۱
- ۵-۴. عدالت و کارایی در چارچوب تحلیلهای اقتصاد اسلامی ۱۷۱
- ۵-۴-۱. چارچوب نظری اقتصاد رفاه اسلامی ۱۷۳
- ۵-۴-۲. مقایسه معیارهای کارایی و عدالت اقتصادی از دیدگاه اقتصاد اسلامی ۱۷۸
- ۵-۴-۲-۱. بیان نموداری ۱۸۱
- ۵-۴-۲-۲. حداکثرسازی درجه همکاری ۱۸۳
- ۵-۴-۳. نقطه بهینه اجتماعی (وضعیت قوام اقتصادی) ۱۸۵
- ۴-۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ۱۸۶
- پی‌نوشتها ۱۸۹
- بخش دوم: بررسی تطبیقی ۱۹۳
- فصل پنجم: بررسی تطبیقی سازگاری معیارهای عدالت اقتصادی با نظام اقتصاد اسلامی ۱۹۳
- مقدمه ۱۹۵
- ۵-۱. تعریف نظام (سیستم) اقتصادی ۱۹۵
- ۵-۲. بررسی تطبیقی معیار عدالت در نظام اقتصاد اسلامی ۱۹۸
- ۵-۳. نظام توزیع ثروت و درآمد در نظام اقتصاد اسلامی ۱۹۹
- ۵-۳-۱. نظریه توزیع ثروت قبل از تولید ۲۰۰
- ۵-۳-۱-۱. مصادیق انفال ۲۰۰
- ۵-۳-۱-۲. مصادیق مالکیت خصوصی ۲۰۱
- ۵-۳-۳. رابطه کار و مالکیت ۲۰۳
- ۵-۳-۴. نتیجه‌گیری اقتصادی ۲۰۵

۲۰۷	 ۵-۱-۳-۵. شواهد تاریخی
۲۰۸	 ۲-۳-۵. نظریه توزیع کارکردی
۲۰۸	 ۱-۲-۳-۵. مبانی حقوقی
۲۰۹	 ۲-۲-۳-۵. رویه اسلامی
۲۱۲	 ۳-۲-۳-۵. موازین عادلانه برای قیمتگذاری عوامل تولید و کالاها
۲۱۳	 یک. نرخ دستمزد و نرخ اجاره (برای نیروی کار و دارایی فیزیکی)
۲۱۵	 دو. نرخ بازدهی داراییهای مالی
۲۱۷	 سه. قیمتگذاری کالاها و خدمات
۲۱۸	 ۳-۳-۵. نظریه توزیع مجدد ثروت و درآمد
۲۱۹	 ۱-۳-۳-۵. انتقال اجباری
۲۲۱	 ۲-۳-۳-۵. انتقال اختیاری، صدقات و اوقاف عامه
۲۲۲	 ۳-۳-۳-۵. انتقال از طریق اموال تحت ولایت دولت اسلامی
۲۲۳	 یک. درآمدها و ثروتهای ناشی از انفال
۲۲۳	 دو. خمس (سهم امام)
۲۲۳	 سه. مالیاتهای حکومتی (مالیات متغیر)
۲۲۴	 ۴-۳-۳-۵. وظایف دولت اسلامی در خصوص توزیع ثروت و درآمد
۲۲۵	 تأثیرگذاری دوسویه سیاستگذاری دولتی
۲۲۶	 ۴-۳-۵. قواعد و روابط اساسی
۲۳۰	 ۴-۵. جواب سؤال اول تحقیق
۲۳۱	 پی‌نوشتها
۲۳۵	 فصل ششم: بررسی تطبیقی معیار کارایی با نظام اقتصاد اسلامی
۲۳۷	 مقدمه
۲۳۸	 ۱-۶. شواهدی از توجه اسلام به معیار کارایی
۲۳۸	 ۱-۱-۶. دلالت مستندات شرعی
۲۴۰	 ۲-۱-۶. شواهد تاریخی

- ۱-۲-۱-۶. عدم دخالت در فرآیند قیمتگذاری در بازار ۲۴۰
- ۲-۲-۱-۶. ایجاد شرایط رقابتی و جلوگیری از احتکار ۲۴۰
- ۳-۲-۱-۶. عدم اخذ مالیات از اهل بازار ۲۴۰
- ۴-۲-۱-۶. نهی از «تلقی رکبان» ۲۴۱
- ۵-۲-۱-۶. تعیین اختیارات ۲۴۱
- ۶-۲-۱-۶. تهیه زمین و ساختمان مورد نیاز برای بازار توسط بخش عمومی ۲۴۱
- ۳-۱-۶. کارایی درونی و نقش سرمایه انسانی ۲۴۲
- ۲-۶. بررسی تطبیقی معیار کارایی در نظام اقتصاد اسلامی ۲۴۳
- ۱-۲-۶. عوامل ایجاد کارایی در سیستم PPM ۲۴۵
- ۲-۲-۶. بررسی و تحلیل عوامل احتمالی ناکارایی در نظام اقتصاد اسلامی ۲۴۶
- ۱-۲-۲-۶. از لحاظ تخصیص و تلاش ۲۴۶
- حالت اول: اعمال حاکمیت دولتی در سیستم قیمتها ۲۴۶
- حالت دوم: تأثیر قیمتهای عادلانه در کارایی ۲۴۷
- حالت سوم: تأثیر ابزارهای توزیع مجدد در کارایی ۲۴۹
- تأثیر انگیزه‌های اخلاقی در ایجاد کارایی ۲۵۰
- شرایط لازم منطقی ۲۵۳
- موقعیت اولیه رضایتمندیها ۲۵۴
- تأثیر تغییرات قیمت بر میزان تلاش ۲۵۷
- ۲-۲-۲-۶. از لحاظ پس انداز، سرمایه‌گذاری و ریسک ۲۵۸
- ۳-۶. جمع‌بندی ۲۶۰
- پی‌نوشتها ۲۶۲
- فصل هفتم: شرایط سازگاری و الگوهای رفتاری ۲۶۵
- ۱-۷. از دیدگاه خرد اقتصادی ۲۶۷
- ۱-۱-۷. کارایی در بهره‌برداری از منابع طبیعی ۲۶۷
- ۲-۱-۷. کارایی در تولید ۲۶۷

۱-۳. شرایط کارایی و عدالت در نحوه به کارگیری درآمد برای مصرف کننده یا

- ۲۶۹ تولید کننده اسلامی
- ۱-۴. مسئله حداکثرسازی رفاه برای فرد / از طریق تخصیص درآمد ۲۷۲
- ۵-۱-۷. شرایط کارایی ۲۷۵
- ۶-۱-۷. تفسیر روابط ۲۷۷
- ۷-۱-۷. جمع بندی بررسیهای خرد اقتصادی ۲۸۰
- ۲-۷. از دیدگاه کلان اقتصادی ۲۸۱
- ۱-۲-۷. الگوی ساده توزیع درآمد ملی (در نظام اقتصاد اسلامی) ۲۸۲
- ۱-۱-۲-۷. مفروضات الگو ۲۸۲
- ۲-۱-۲-۷. معرفی متغیرها ۲۸۳
- ۳-۱-۲-۷. روابط الگو ۲۸۴
- یکه. سهم سودها و سهم دستمزدها از درآمد ملی ۲۸۵
- دو. ضریب تکاثر سرمایه گذاری ۲۸۵
- ۴-۱-۲-۷. تحلیل و بررسی روابط ۲۸۵
- ۲-۲-۷. معادله طرف تقاضا در اقتصاد اسلامی ۲۸۹
- ۱-۲-۲-۷. اثرات انتقال درآمدی بر طرف تقاضا ۲۸۹
- ۳-۲-۷. تابع طرف عرضه در اقتصاد اسلامی ۲۹۰
- ۳-۷. وضعیت تعادلی اقتصاد ۲۹۲
- ۱-۳-۷. امکانات ۲۹۳
- ۲-۳-۷. عوامل توازن ۲۹۴
- ۳-۳-۷. قیمتهای تعادلی ۲۹۵
- ۴-۷. پاسخ سؤال دوم تحقیق ۲۹۶
- ۵-۷. نحوه توزیع ثروت و درآمد در اقتصاد اسلامی (نظام اقتصادی متوازن) ۲۹۶
- ۱-۵-۷. اصول تکوینی ۲۹۹
- ۲-۵-۷. اصول تشریعی ۳۰۰

۳۰۱	 ۳-۵-۷. شرح نمودار
۳۰۱	 ۳-۵-۷. ۱. طرف عرضه
۳۰۳	 ۳-۵-۷. ۲. طرف تقاضا
۳۰۶	 ۶-۷. نتایج و اشاره‌های کاربردی
۳۱۱	 ضمانت
۳۱۳	 ضمیمه ۱: برخورداری یکسان مردم از بیت‌المال
۳۱۵	 ضمیمه ۲: احکام روبنایی نظریه توزیع کارکردی
۳۲۱	 کتابنامه
۳۲۱	 ۱. منابع فارسی و عربی
۳۲۸	 ۲. منابع لاتین

دود

www.ketab.ir

تقدیم به:

پدر و مادرم

که جان مایه‌های خود را سرمایه اعتلای علمی فرزندان خود ساختند...

و من در این امیدم که این اثر در جهت تعالی روحشان

مؤثر افتد ان شاء الله

یکی از بحث‌های پایه‌ای در اقتصاد متعارف به ویژه در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ (میلادی)، تعارض و ناسازگاری معیارهای کارایی (*efficiency*) و عدالت (*equity*) بوده است. استدلال سنتی بدین شرح است: پیش از هر چیز، نظام بازار یک سازوکار کاملاً کاراست؛ ولی در کنار آن، یک سازوکار مولد نابرابری نیز هست؛ بنابراین، اگر مسئولان و مقامات دولتی نگران عدالت باشند، باید یک نظام پرداخت‌های انتقالی به وجود آورند که بر نظام بازار حاکمیت داشته باشد و اثرات زیانبار آن را کمرنگ کند؛ اما هر انتقالی باعث به هم خوردن کارایی اقتصادی می‌شود. هر چه مقدار مبالغی که از راه سازوکارهای توزیع مجدد منتقل می‌شود، بیشتر باشد، ناکاراییها بیشتر خواهد بود؛^۱ به عبارت دیگر، جامعه چنانچه بخواهد به توزیع برابر دست یابد، به هزینه ناکاراییهای حاصل از فشار مازاد مالیات خواهد بود.^۲

در ادبیات اقتصادی «*equity*» مفهومی نزدیک به برابری «*equality*» و انصاف «*fairness*» دارد. هرچند مفهوم «برابری» وضوح بیشتری دارد، اما دارای تعاریف متفاوتی است. برابری افراد اصولاً در برابر قوانین و حقوق و امکانات عمومی مطرح است؛ نه اینکه افراد از لحاظ استعداد، مهارتها و ثروتهای کسب‌شده یا به ارث‌رسیده مساوی باشند. در حوزه اقتصاد (دست‌کم در حوزه مصرف) برابری به این معناست که اگر n فرد کالاهای متفاوتی را تولید کنند، هر یک باید به اندازه $\frac{1}{n}$ از آن کالاها سهم ببرند؛ اما از آنجا که استعدادهای و شایستگیهای افراد متفاوت است، این تعریف قابل تطبیق و عملی نیست. این نوع تخصیص باعث می‌شود که ثروت از افراد پربازده به طرف افراد کم‌بازده انتقال یابد.

با توجه به این مسئله، «برابری» به اقتصاد در وضعیت منصفانه و حالت عدم حسادت یک فرد به سبد مصرفی فرد دیگر تغییر مفهوم داده است. به بیان ریاضی، چنانچه مطلوبیت فرد i از سبد x_i را با $U_i(x_i)$ و مطلوبیت فرد j از سبد مصرفی x_j را با $U_j(x_j)$ نشان دهیم، چنانچه $U_i(x_i) > U_j(x_j)$ باشد، فرد i نسبت به سبد مصرفی فرد j حسادت دارد. از دیدگاه واریان (Varian, 1974)، تخصیصی منصفانه است که همه افراد i و j نسبت به یکدیگر حسادت نداشته باشند؛ یعنی داشته باشیم:

$$U_i(x_j) \geq U_j(x_i)$$

اما واقعیت این است که همه امکانات و مزیتها را نمی‌توان در تابع مطلوبیت فرد از سبد مصرفی او خلاصه کرد؛ حتی اگر همه کالاهای اقتصادی به صورت برابر توزیع شوند، شاید فردی نسبت به سلامتی، زیبایی یا استعداد دیگری احساس حسادت داشته باشد.

از سوی دیگر، وقتی وضعیت «برابر» با وضعیت «کارا» مقایسه می‌شود، ابهام بیشتر می‌شود. بنا به تعریف، چنانچه همه افراد تخصیص y را به تخصیص x ترجیح دهند، y نسبت به x ارجحیت پارتویی (Pareto superior) دارد و اگر y نسبت به x ارجحیت داشته باشد، انتقال از x به طرف y را بهبود پارتویی (Pareto improvement) می‌نامند؛ بر این اساس، چنانچه هیچ گزینه y وجود نداشته باشد که ویژگی بهبود پارتویی داشته باشد، تخصیص یا گزینه x را بهینه پارتویی (Pareto optimal) می‌نامند.

بر اساس تحلیل کلم (Kolm, 1972)، در یک اقتصاد غیرتولیدی امکان سازگاری بین برابری و بهینه پارتویی وجود دارد، اما پازنر و شمیدلر^۲ و واریان نشان داده‌اند که این سازگاری در اقتصاد تولیدی وجود ندارد. در یک اقتصاد تولیدی مطلوبیت فرد نه تنها به سبد مصرفی او بلکه به تعداد ساعات کار و بازدهی او بستگی دارد. از آنجا که برخی از این ویژگیها به استعدادهای ظرفیتهای شایستگیهای متفاوت افراد بستگی دارد که انتقال‌پذیر نیستند، امکان ایجاد برابری در اقتصاد وجود ندارد.^۳

نویسندگان اقتصادی بسیاری تغایر و ناسازگاری بین دو معیار «کارایی» یا «بهینه پارتویی» و «برابری» را بررسی کرده‌اند که برای نمونه، به چند مورد اشاره می‌شود:

۱. جورج هالم (G. Halm) در کتاب «سیستمهای اقتصادی» خود می‌نویسد:
 «... چنانچه انتخابهای مصرف‌کنندگان در تعیین آنچه تولید می‌شود،
 مؤثر باشد، نیروی کار باید در واکنش به ترجیحات مصرف‌کنندگان از
 بنگاهی به بنگاه دیگر، انتقال یابد. حال اگر بخواهیم درآمد به طور برابر
 توزیع شود، در این صورت، این آرمان زمانی قابل تحقق است که این
 تخصیص با دستور و به شیوه‌های آمرانه صورت پذیرد، در چنین
 حالت مصرف‌کنندگان در مورد آنچه که باید تولید شود، چیزی برای
 گفتن ندارند.»^۵

۲. آرتور اکان (A. Okun) در کتابی با عنوان «برابری و کارایی؛ تبادل بزرگ»

می‌نویسد:

«اغلب، جامعه ناچار است که بین کارایی و برابری مبادله کند.»^۶
 «اگر قرار است هر دو [معیار] کارایی و برابری برآورده شوند و
 هیچ یک بر دیگری تقدم نداشته باشند، در مواردی که آن دو ناسازگار
 باشند، در این موارد، قدری از برابری باید به نفع کارایی فدا شود و نیز
 قدری از کارایی به نفع برابری از بین برود؛ اما وقتی قدری از یکی به
 نفع دیگری کاهش می‌یابد، بایستی موجب افزایش بیشتری در دیگری
 شود؛ به ویژه، تصمیمات اجتماعی که منجر به نابرابری می‌شوند،
 بایستی به این صورت که موجب افزایش بیشتر در کارایی می‌گردند،
 توجیه شوند. این قضیه، قضیه‌ای ریشه‌ای نیست ولیکن مهم است و به
 صورت موضوعی جدلی مطرح است...»^۷

- «... رالز یک جواب قانع‌کننده دارد: اولویت را به برابری

بدهید.»^۸

مشابه آنچه فریدمن می‌گفت: «اولویت را به کارایی بدهید.»^۹

- ... من با رالز موافق هستم، اگر من در موقعیت اولیه رالز قرار گرفته بودم،
 من به دنبال ساختن جامعه‌ای بودم که وزن بیشتری به برابری می‌داد، اما بایستی
 به فرایند سیاسی دموکراتیک اعتماد می‌کرد که از طریق آن وزنهاى معقولى از میان
 آن دو انتخاب می‌کرد.

و بر خلاف فریدمن، من طرفدار آن هستم که ۱۰ تا ۲۰ درصد (از درآمدها) به طور داوطلبانه و مشتاقانه ریزش داشته باشند و اما بر خلاف رالز من از ۹۹ درصد ریزش درآمدها (به نفع فقیرترین قشر) جانبداری نمی‌کنم.^{۱۰}

۳. از سوی دیگر، بریان بری (Brian Barry) اگرچه بر پذیرفتنی بودن هدف برابری درآمد از لحاظ نظری تأکید دارد، اما مدعی است که توزیع برابر با الزامات سازمانی نظامهای اقتصادی - سیاسی مطابقت ندارد.^{۱۱}

۴. و توماس نگل (Tomas Nagel) می‌افزاید:

«... سزاوار است که با مردم در رابطه با توزیع به طور برابر رفتار شود.»
اما نمی‌دانم چگونه ممکن است «مگر اینکه نظارت و کنترل اجتماعی به شدت افزایش یابد.»^{۱۲}

در قسمتهای بعدی با روش نموداری به توضیح این ناسازگاری خواهیم پرداخت. اما خواننده خود اذعان دارد که مناقشه اصلی میان طرفداران مکتب برابری و حامیان مکتب آزادیخواهی در اقتصاد است و هر یک بر اساس مبانی مکتبی خود در صدد تحقق اهداف مطلوب خود هستند. متفکران اقتصاد سوسیالیستی بیش از همه به «برابری» به مثابه معیار کارآمد برای سنجش عملکرد صحیح نظام اقتصادی و صاحب‌نظران اقتصاد سرمایه‌داری و اقتصاد آزاد بر اساس الزامات مکتب اقتصادی خویش به معیار «کارایی» به مثابه «معیار تنظیم‌کننده فعالیت‌های اقتصادی و ارزیابی عملکرد آن تأکید کرده‌اند».

در مقابل این دیدگاهها، سازگاری معیارهای «کارایی» و «برابری» در نظام اقتصاد سوسیالیستی توسط کارنز (J. H. Carens) در کتاب «برابری، انگیزه‌های اخلاقی و بازار» به اثبات رسیده است.^{۱۳}

به همین ترتیب، هاکمن و راجرز (Hochman & Rodgers) در مقاله‌ای با عنوان «توزیع مجدد پارتویی»^{۱۴} نشان داده‌اند که با فرض اینکه میان توابع مطلوبیت فردی ارتباط متقابل وجود داشته باشد (یعنی چنانچه درآمد فرد i را با Y_i و مطلوبیت فرد m را با U_m نشان دهیم، داشته باشیم: $(\frac{\partial U_m}{\partial Y_i}) > 0$)، در این

صورت، بر خلاف روش سنتی تحقق بهینه پارتویی مستلزم بازتوزیع است. استدلال وی بر این فرض مبنایی استوار است که افراد جامعه به دنبال رفتار مبتنی

بر سواری مجانی نیستند و ارتباط متقابل مطلوبیتها در جامعه نهاده می‌شود و همین امر مستلزم آن است که افراد انتفاع خود را در آن ببینند که به انتقالات بازتوزیعی تن دهند. با این همه، باید توجه داشت که این انتقالات وضعیت اولیه توزیع درآمد میان افراد را تغییر نمی‌دهد.

با وجود این، داوری در باره میزان ناسازگاری یا سازگاری این دو معیار به تفسیر و تلقی از معنا و مفهوم و تعریف آن دو بستگی دارد. از آنجا که داوری در این باره به تابع رجحان اجتماعی وابسته است، بنابراین، حل این معضل نیز با توجه به منشأ اعتبار این دو معیار، یعنی معیار عدالت اقتصادی، که چارچوب اصلی قرارداد اجتماعی در همه جوامع مطرح است، ممکن خواهد بود. هر یک از مکاتب فکری به تبعیت از فلسفه اجتماعی حاکم، معیارها و قواعد ویژه‌ای را برای تعریف، تبیین و عملیاتی ساختن مفهوم عدالت مطرح ساخته‌اند که البته وجه غالب و ایده‌آل اصلی عدالت «برابری» معرفی شده است.

بنابراین، برای موضع‌گیری دقیق و قابل قبول در این زمینه لازم است به این سؤال مهم پاسخ دهیم که بر اساس شریعت اسلام «عدالت» چه معنا و مفهومی دارد و به کار بستن آن در حوزه اقتصاد چگونه ممکن است و به چه صورت می‌توان در باره تحقق یا عدم تحقق آن در نظام اقتصادی معین داوری کرد.

پاسخ به این سؤال بدون پشتوانه نظری و فلسفی و به طور مجزا از فلسفه حاکم بر اندیشه اقتصاد اسلامی، همچنان که ماهیت مباحث عدالت در حوزه مسائل اجتماعی و اقتصادی مرسوم مؤید آن است، میسر نیست و مفید فایده نخواهد بود. در واقع، این مبحث اصلی‌ترین موضوع علم اقتصاد هنجاری (*normative economics*) است. این در حالی است که مروری بر مباحث مدون در اقتصاد اسلامی نشانگر آن است که هنوز بسیاری از مواضع اتخاذ شده و فرضیه‌های مبانی این رشته به چارچوب نهادی و هسته سخت (*hard core*) فرضیه‌ها مبدل نشده است.

از سوی دیگر، معنا، مفهوم و تعریف معیار «کارایی»، پارادایم (*paradigm*) حاکم بر علم اقتصاد مرسوم، کاملاً مشخص و جاافتاده است و اختلاف چندانی در منابع متداول آموزشی اقتصاد رفاه در این باره مشاهده نمی‌شود. در واقع، این معیار، ویژگی اصلی علم اقتصاد تحقیقی (*positive economics*)، همواره مورد

تأکید صاحب‌نظران اقتصادی بوده است. اما باید توجه داشت در هر جامعه بر اساس هر نوع صورتبندی از حقوق مالکیت (موجودی منابع) بهینه‌های پارتویی متفاوتی حاصل می‌شود. معیار کارایی از این نقاط بهینه به دست می‌آید، اما هر یک از این نقاط نتایج توزیعی متفاوتی به بار می‌آورند. معیار کارایی، با فرض صحت، تنها می‌تواند معیاری لازم تعریف شود و در هر حال، این تصمیم‌گیران هر نظام اقتصادی هستند که از میان نقاط بهینه هماهنگ‌ترین آن نقاط با ارزشهای پذیرفته‌شده در جامعه را انتخاب می‌کنند.

معیار کارایی در مورد توزیع اولیه منابع و میزان تخصیص کالاها به افراد مطرح است، در حالی که معیار عدالت هم به نحوه توزیع منابع اولیه و هم به مشروعیت فرآیندهای حاکم بر فعالیت اقتصادی توجه دارد.

ساختار این تحقیق بر اساس شناسایی و معرفی قواعد و روابط اصلی نظام اسلامی توزیع ثروت و درآمد، به مثابه رکن اساسی نظام اقتصاد اسلامی و تطبیق قواعد و معیارهای عدالت و کارایی با آن پی‌ریزی شده است که بتواند به پرسشهای اصلی زیر پاسخ دهد:

۱. با توجه به مبانی، قواعد و روابط اساسی نظام اقتصاد اسلامی، آیا می‌توان ادعا کرد که در این نظام، تخصیص منابع و توزیع ثروتها و امکانات و درآمدها بر مبنای عدالت است و کارکرد نهادها و عناصر آن به نحوی است که به عدالت اقتصادی در جامعه اسلامی منجر می‌شود؟

۲. آیا نظام اقتصادی مبتنی بر عدالت، می‌تواند از کارایی اقتصادی نیز برخوردار شود؟ به عبارت دیگر، همزیستی و تلازم یا رابطه دو معیار عدالت اقتصادی و کارایی در مطابقت با نظام اقتصاد اسلامی تا چه حدی است؟
بر اساس این دو سؤال، فرضیه‌های این پژوهش به شرح زیر تنظیم شده است:

فرضیه اصلی

در نظام اقتصاد اسلامی دو معیار کارایی و عدالت اقتصادی مکمل یکدیگرند.

فرضیه‌های همراه

۱. مبانی، قواعد و روابط اساسی نظام اقتصاد اسلامی بر مبنای عدالت اقتصادی تنظیم شده است.

۲. کارکرد نهادها و عناصر نظام اقتصاد اسلامی به نحوی است که در صورت استقرار آنها، عدالت اقتصادی در جامعه برقرار می‌شود.

۳. نظام اقتصاد اسلامی مبتنی بر عدالت از کارایی اقتصادی برخوردار است.

پاسخ به این سؤالات و اثبات فرضیه‌ها، همچنان که در ابتدای بحث اشاره شد، قبل از همه منوط به تعریف روشن و دقیقی از مفهوم «عدالت» و «عدالت اقتصادی» است. از تحقیق و بررسی نظرهای متفکران اسلامی و مقایسه آن با نظریه‌های مرسوم و متعارف که در فصل اول و دوم این تحقیق انجام می‌شود، این نکته استنباط می‌شود که بحث عدالت، به عنوان محور اصلی تفکرات اجتماعی و تنظیم‌کننده روابط و خواسته‌های متعارض در جامعه، به ویژه در حوزه اقتصاد، پایه‌پای اندیشه‌های متعارف (در غرب) گسترش نیافته است و بر اساس آن نمی‌توان به قواعد و معیارهای مشخصی در حوزه مورد بحث دست یافت؛ برای رفع این نقیصه، همین دلیل، با فرض قبل دینی و عقلی بودن مفهوم عدالت و با استفاده از قواعد و نظریه‌های متعارف عدالت اقتصادی و بر اساس منابع و دلایل معتبر اسلامی به تنظیم نظریه عدالت اقتصادی از سه جنبه وسیله/ابزارمحور، فرایندمحور و نتیجه‌محور و در سه دسته (حق برخورداری برابر، سهم‌بری بر اساس میزان مشارکت در فرایند تولید و قوام در تولید و توازن نسبی ثروت و درآمد در جامعه) اقدام کرده و جامعیت و ماهیت چندبعدی شریعت اسلام در این زمینه نشان داده شده است.

در فصول سوم و چهارم معیار کارایی و رابطه میان عدالت و کارایی در اقتصاد متعارف و اقتصاد اسلامی بررسی و تبیین می‌شود و در مجموع، این نتیجه حاصل می‌شود که با حذف قضاوت‌های ارزشی حاکم بر اقتصاد متعارف و اقتصاد رفاه پارتویی معیارهای مختلف کارایی نظیر کارایی فنی و کارایی تخصیصی با چارچوب اقتصاد اسلامی و قضاوت‌های ارزشی اقتصاد رفاه اسلامی تعریف‌پذیر و مورد تأیید می‌باشند. اما ملاحظه توزیع درآمد به ویژه از طریق کارایی درونی، می‌تواند مکمل معیار کارایی معرفی شود.

در فصل پنجم، معیار عدالت در نظام اقتصاد اسلامی تطبیقی بررسی می‌شود؛ بر این مبنا چارچوب قواعد عدالت در نظام توزیع اسلامی ثروت و درآمد شناسایی شده است. قواعد و روابط اساسی نظام اسلامی توزیع ثروت و درآمد بر اساس سه نظریه توزیع قبل از تولید، توزیع کارکردی و توزیع مجدد مطالعه گردیده و هشت قاعده استخراج شده است. در پایان فصل، این قواعد با قواعد سه‌گانه عدالت اقتصادی تطبیق داده شده و این نتیجه حاصل شده است:

«نظام اسلامی توزیع ثروت و درآمد قابلیت تطبیق بیشتری با قواعد و معیارهای عدالت اقتصادی دارد.»

برای بررسی سؤال دوم پژوهش، ابتدا در بخش آخر فصل سوم نشان می‌دهیم که مفاهیم بهینه پارتویی و کارایی اقتصادی در اقتصاد متعارف در چارچوب قضاوت‌های ارزشی پارتویی قرار گرفته‌اند؛ اما در عین حال، می‌توان این معیارها را در چارچوب قضاوت‌های ارزشی اسلامی (اقتصاد رفاه اسلامی) بررسی کرد.

در فصل چهارم این نتیجه حاصل می‌شود که انواع معیارهای کارایی با نظام اقتصاد اسلامی تطبیق‌پذیر است و با مقایسه دو مفهوم عدالت اقتصادی (به معنایی که در فصل دوم ارائه می‌شود) و کارایی اقتصادی، جامعیت معیار عدالت اقتصادی و لذا رابطه عموم و خصوص مطلق بین آن دو نتیجه گرفته شده است. در فصل ششم برای نشان دادن سازگاری نظام اسلامی توزیع ثروت و درآمد با کارایی و بررسی تأثیرگذاری آن و با فرض اینکه نظام مبتنی بر مالکیت خصوصی در بازار (*the private property system: the PPM system*) از استاندارد کارایی برخوردار است، دو نظام اقتصاد اسلامی و اقتصاد سرمایه‌داری (PPM) با یکدیگر مقایسه شده است.

در انتها، در فصل هفتم به طور مقدماتی سعی شده است که تأثیرگذاری موازین و قواعد اسلامی بر رفتارهای اقتصادی از طریق الگوهای ساده رفتاری توضیح داده شود و بر اساس آن، رفتار بهینه توأم با توزیع عادلانه درآمد و افزایش تولید در اقتصاد نتیجه‌گیری شده است.

روش‌شناسی

مبنای روش‌شناسی این پژوهش بر سه فرض عمده زیر مبتنی است:

۱. تعاریف معیارهای عدالت و کارایی مبنای قبل دینی، عقلی و توافقی دارند و در چارچوب قرارداد اجتماعی در جامعه امکان تحقق می‌یابند. بر این اساس، مکاتب اقتصادی بر اساس قابلیت آنها در عملی ساختن این معیارها بررسی و ارزیابی می‌شوند.

۲. پدیده‌های اقتصادی جزئی از پدیده‌های اجتماعی است که بر خلاف پدیده‌های طبیعی و فیزیکی، از عوامل مختلف کمی و کیفی اعم از انگیزه‌های اخلاقی، عقاید و ایدئولوژیها، سلیقه و رجحانهای فردی و گروهی در کنار عوامل کمی اقتصادی تأثیر می‌پذیرند و به این ترتیب، تصمیم و انتخابهای اختیاری افراد و گروهها در یک نظام اقتصادی، پدیده‌های اقتصادی را شکل می‌دهند؛ به همین دلیل در نظام اقتصاد اسلامی نیز، امکان تغییر پدیده‌ها در جهت مطلوب وجود دارد و افراد و گروهها مسئول رفتارهای اقتصادی خود هستند.

۳. نظریه‌های علمی اقتصاد اسلامی در چارچوب نهادی برگرفته از اصول و چارچوبهای ثابت اسلامی تدوین می‌شوند و در معرض نقد و داوری قرار می‌گیرند؛ اعتبار این نظریه‌ها در بررسیهای مربوط به «نظام اقتصادی» بر اساس تطبیق آنها با پدیده‌های واقعی در جامعه و حل معضلات اقتصادی و تغییر روند متغیرها در جهت الگوی مطلوب اقتصاد اسلامی «مکتب اقتصادی» ارزیابی می‌شوند.

امید دارم با توجه به نیاز روزافزون کشور ما به رفتارها و تصمیمهای مبتنی بر اصول اسلامی و قواعد پذیرفته‌شده، این مجموعه به مثابه «برگ سبزی» از شجره طیبه اقتصاد اسلامی و در پیشبرد پژوهشهای اقتصاد اسلامی و باز کردن زمینه سیاستگذاری اقتصاد اسلامی مؤثر واقع شود؛ اگرچه باید اذعان کرد که موضوعهای مورد بحث در این پژوهش فتح بابی در این مسیر است و کاستیهای زیادی دارد. واقعیت این است که ماهیت موضوع به نحوی است که ضرورت دارد تک تک موضوعات بر اساس جامع‌نگری و تحلیل دقیق ادبیات مدون در این رابطه و تطبیق آن موارد با اصول و چارچوب ثابت شریعت اسلام بررسی شوند که مبنای تحلیلی روشنی برای نظریه‌های اقتصاد اسلامی فراهم شود.

در پایان لازم به ذکر است که مبنای اصلی این کتاب را پایان‌نامه دکتری با عنوان «بررسی و تحلیل امکان سازگاری معیارهای «عدالت» و «کارایی» در نظام اقتصاد اسلامی» با راهنمایی جناب آقای دکتر ایرج توتونچیان و مشاوره حضرت آیت‌الله محمدعلی گرامی و دکتر حسین صادقی تشکیل می‌دهد که در سال ۱۳۷۹ در دانشگاه تربیت مدرس دفاع شده است. ضمن تشکر از راهنماییهای ارزنده این اساتید محترم و داوران آن، اضافه می‌کنم قالب‌بندی و محتوای این کتاب تفاوت بسیار زیادی با آن مجموعه دارد و پژوهشهای بعدی نویسنده به آن اضافه شده و برخی از نظریه‌ها به طور اساسی تغییر یا تعدیل شده است که مسئولیت مطالب و نواقص آن با نویسنده است.

در اینجا بر خود لازم می‌دانم از زحمات ویژه مرحوم حسین کبیرسالک، جانباز دوران دفاع مقدس که مراحل مختلف حروفچینی این اثر را بر عهده داشته‌اند، تشکر و قدردانی کنم و علو درجات این سالک طریق حق را مسئلت کنم؛

همچنین، از دیگر عزیزانی که در چاپ و نشر این اثر متقبل زحمتی شده‌اند، به ویژه آقایان سیدعلی علم‌الهدی (مدیر انتشارات دانشگاه امام صادق(ع)) و محمدحسین بصیری (ویراستار ادبی و صوری این اثر) تشکر می‌کنم و توفیق بیش از پیش ایشان را از درگاه پروردگار متعال خواستارم.

دکتر حمین عیوضلو

بهار ۱۳۸۵

پی‌نوشتها

1. Pierre André Chiappori, "Inégalité, Efficacité et Redistribution", in *Problèmes Economique*, no. 2, 31 Mars - 7 Avril, 1993, p. 51
2. Y. K. Ng, *Social Welfare and Economic Policy*, Harvester Wheatsheaf, New York, 1990, p. 59.
3. Pazner & Shmeidler, 1974.
4. Cf. Allen M. Feldman, "Equity", in: *The New Palgrave*, (edited by J. Eatwall, M. Milgate, and P. Newman), 1987. Volume 2, pp. 183-184.
5. George Halm, "Economic Systems", 3d ed. NewYork: Holt, Richard and Winston, 1968, pp. 7-8.
6. Arthur M. Okun, "Equality and Efficiency: The Big Trade off", Washington D. C.: The Brookings Institutions, 1975, p. 88.
7. *ibid*
8. John Rawls, "A Theory of Justice", Oxford University Press, 1986. p. 62.
9. Milton Friedman, "Capitalism and Freedom", University of Chicago press, 1962, pp. 161-166.
10. Artur M. Okun, *Op. Cit*, pp. 92-94
11. Brian Barry, "The Liberal Theory of Justice", Oxford: Clarendon Press, 1976, p. 162.
12. Thomas Nagel, "Equal Treatment and Compensatory Discrimination", in: "Philosophy and Public Affairs". 2, 1973, pp. 354-363.
13. Joseph H. Carens, "Equality, Moral Incentives and the Market". University of Chicago, Press, Chicago and London, 1981.
14. Harold M. Hochman and James D. Rodgers, "Oareto Optimal Redstribution" in: *Amercan Econmic Review*, LIX, 1969, pp. 572-57.